

کولوسئوم (۱) یکی از جالب ترین نمایشگاههای جهان

کولوسئوم یکی از بناهای ، تاریخی جهان است . بعضی ها به غلط بنای آنرا به نرو (۲) نسبت می دهند ، در صورتیکه باید گفت روح نرو از ساختمان چنین بنایی اطلاع نداشت تصورات غلطی را که درباره این ساختمان تاریخی وجود دارد در چهار قسمت میتوان خلاصه کرد :

اولا ساختمان کولوسئوم چهار سال بعد از مرگ نرو شروع شد ، ثانیاً عده کمی از مورخین بر این عقیده اند که مسیحیان در این میدان با حیوانات درنده نبرد میکردند ثالثاً نه امپراطوران نه گلاادیاتورها و نه مسیحیان این بنا را کولوسئوم نمی گفتند .

نام کولوسئوم از قرن هشتم میلادی به بعد روی این بنای تاریخی گذارده شد .

ساختمان کولوسئوم

کولوسئوم که رومیان آنرا آمفی تئاتر فلاویوس (۳) می خواندند ، به توسط سپازیان (۴) آغاز بنا شد و به وسیله تیتوس (۴) به پایان رسید (۸۰ میلادی) نام معمار آن معلوم نیست . و سپازیان دریاچه ای را که در باغهای خانه زرین نرون (۶) بود ، برای محل آن انتخاب کرد .

این آمفی تئاتر از سنگ تراورتن به صورت بیضی که محیط آن ۱۷۹۰ پا بود ساخته شد . دیوار خارجی آن به ارتفاع ۱۵۷ پا و بین ستونها طاق زده شده بود . دالانهای عمده طاق ضربی داشتند و گاه این طاقها به سبک صومعه های قرون وسطی از میان یکدیگر میگذشتند . داخل آمفی تئاتر نیز به سه ردیف تقسیم شده بود که هر یک زیر طاقی بود و هر قسمت به حلقه های لژ یا نشیمن مدور تقسیم گردیده و راه پلکانی داشت .

منظره داخل کولوسئوم شباهت به بنایی داشت که هنرمند غول پیکری طاقها و دالانها و نشیمنها را داخل آن تراشیده باشد . مجسمه ها و سایر تزئینات ، تمامی محل را زینت میداد و بسیاری از ردیفهای نشیمن از مرمر ساخته شده بود . از هشتاد در ورودی دوتای آن مخصوص امپراطور و ملترمان

او بود و بقیه درهائی بود که دیگران از آن وارد کولوستوم می شدند (۶).
 میدان وسط کولوستوم به مساحت ۲۸۷ پا در ۱۸۰ پا با دیوارهای به
 ارتفاع پانزده پا با نرده آهنین که در بالای آن کشیده شده بود، مردم حیوان
 صفت را از حیوانات درنده محفوظ میداشت.
 کولوستوم ساختمان زیبایی نبود، همان وسعت و عظمت آن نوعی خشونت
 و رفعت را در خوی رومیان بیدار میکرد.
 میدان این بنای عظیم عبارت بود از سطح چوبی وسیع که روی آن رابا
 شن پوشانده بودند، قسمتی از این میدان متحرک بود و آنرا در موقع لزوم
 پائین میبردند و بعد سریعاً بالا می آوردند و صحنه را تغییر میدادند و یا در
 اندک مدتی، تمامی سطح را از آب می پوشانند، در اطاقهای وسیع زیر میدان،
 حیوانات، ادوات و افرادی را که در برنامه جشنها شرکت میکردند، نگاه
 میداشتند. در بالای دیوار حفاظی میدان، مهابتی مرمی بود که روی
 نشیمنهای فاخر آن سناورها و کهنه و مأموران والا مقام می نشستند، بالای
 این ایوان، لژ بلندی بود که محل جلوس امپراطور و امپراطوریس و همراهان
 آنها بود.
 پشت این حلقه اشرافی، طبقه سوارکاران در بیست ردیف می نشستند.
 دیوار بلندی که با مجسمه تزئین شده بود، طبقات بالاتر اجتماع را از طبقات
 پائین تر در جایگاههای بالا جدا می ساخت.
 هر فرد آزادی، اعم از زن یا مرد میتواند بدون پرداختن دیناری
 در این مراسم شرکت کند. مردم از حضور امپراطور در اینجا و در سیرکها
 استفاده میکردند و امیال خود را برای شنیدن او فریاد میزدند.
 در فواصل معینی فواره های آب معطر به هوا می افشانند تا هوا خنک
 و عطر آگین شود، وقتی ظهر فرا میرسد، اغلب تماشاگران بشتاب برای
 خوردن ناهار بیرون میرفتند، فروشندگان اغذیه غذا و شیرینی و نوشابه به آنها
 میفر وختند. بعضی اوقات به تماشاگران به فرمان امپراطور غذا میدادند،
 و گاهی هدایا میان جمعیت پخش میکردید. در مسابقاتی که به هنگام شب
 انجام میشد، حلقه چراغها را بر فراز میدان و روی سر تماشاگران روشن
 میکردند. دسته های نوازنده در فواصل معین نوازندگی میکردند و قسمت های
 حساس نبردها و جنگهای تن به تن را با نواهای مهیج همراهی مینمودند.

هنر نمائی حیوانات

ساده‌ترین وقایع در آمفی تئاتر ، نمایش حیوانات بود - فیل ، شیر ، ببر ، نهنگ ، اسب دریائی ، میمون ، یوزپلنگ ، خرس ، گراز ، گرگ ، زرافه ، شتر مرغ ، گوزن ، پلنگ ، غزال و پرندگان کم نظیر را از اکناف جهان می‌آوردند و در باغ وحش‌های امپراطوران و ثروتمندان نگاه میداشتند و برای نمایشهای مخصوص تربیت میکردند .

به میمونها می‌آموختند که سوار سگ شوند ، ارا به برانند و یاد نمایند بازی کنند . گاوهای نر تربیت میشدند که پسران بر پشتشان برقصند . در زمان نرون در يك روز ۴۰۰ ببر و گاو نرو فیل جنگیدند ، در روز دیگری در زمان کالیکولا امپراطور روم ۴۰۰ خرس کشته شد و هنگام اتمام بنای کولوسئوم ۵۰۰۰ حیوان قربانی کردند .

اگر حیوانات میخواستند بایکدیگر بسازند با تازیانه و تیرو آهن داغ به آنها را میزدند تا بجنگند . کلودیوس امپراطور دیگر يك هنگ از گارد امپراطوری را وادار به جنگ با یوزپلنگ کرد و نرون آنها را وادار ساخت با ۴۰۰ خرس و ۳۰۰ شیر بجنگد .

گلادیاتورها چه کسانی بودند . نبرد آنها بایکدیگر و حیوانات وحشی

گلادیاتورها پیش از آنکه بایکدیگر به شمشیر بازی و جنگ پردازند ، خطاب به امپراطور فریاد میزدند « سلام بر تو ای قیصر . کسانی که به سوی مرگ رهسپارند ، به تو سلام میکنند »

این گفته با حقیقت تطبیق میکرد چنانکه در همان روز افتتاح کولوسئوم خون ده هزار تن از ایشان ریخته شد !

منشاه جنگ گلادیاتورها را ظاهراً در ادوار ماقبل تاریخ باید جستجو کرد . زیرا در این ادوار مردم برای تسکین روح مردگان و فرونشاندن آتش خشم خدای مرگ ، به قربانی کردن افراد بشر میپرداختند . ولی در شهر رم جنگ گلادیاتورها از سال ۲۶۴ پیش از میلاد آغاز شد . در این سال دو برادر از سرداران بزرگ رو به مناسبت مرگ پدر خویش در حین تشریفات سوگواری او ، شش گلادیاتور را به جنگ تن به تن واداشتند و از آن پس این کار ناپسند از جمله آداب سوگواری رجال و بزرگان کشور گردید .

گلادیاتورها را معمولاً از میان اسیران جنگی و غلامان یا جنایتکاران و مجرمین انتخاب میکردند و چون رومیان در غالب کشورهای اروپا و آفریقا و آسیا به فتوحاتی نائل شده بودند، در میدان کولوستوم گلادیاتورهایی از اقوام گوناگون جهان دیده می شدند که هر يك با سلاح مخصوص خود و آداب کشور خود می جنگیدند. بعداً جمعی از جوانان ماجراجوی رومی با میل خود داوطلبانه وارد حرفه گلادیاتوری شدند و در اواخر جمهوری رم بسیاری از نجبا و اشراف گلادیاتورها را به جای قراولان خود بکارگماشتند.

نبرد گاو نر با انسان، توسط قیصر به روم آورده شد و غالباً در آمفی تئاتر نمایش داده میشد. مجرمان محکوم را گاه پوست حیوانات می پوشاندند و آنها را نزد درندگان گرسنه می انداختند.

شاید داستان آندروکلس را خوانده باشید. خلاصه داستان چنین است که او بنوان يك غلام فراری گرفتار میشود. او را با شیر در میدان به جنگ وامیدارند. اما چون آندروکلس قبلاً خاری را از دست همین شیر بیرون کشیده بود، شیر به محض دیدن آندروکلس دم می جنباند و به پای او می افتد. آندروکلس عفو میشود و شیر را به او می بخشند و او با شیر رام شده در میکدها میگردد و زندگانی خود را تأمین میکند.

هنگام انتخابات کسانی که داوطلب مقامی بودند برای اینکه با نمایش و به جنگ انداختن گلادیاتورها در میدان کولوستوم مردم روم را خرسند و به انتخاب خود تشویق کنند به اجاره کردن گلادیاتورهای پرداختند و هر يك از داوطلبان میکوشیدند که از حریف خویش بیشتر گلادیاتور داشته باشند ولی چون ژول سزار یکبار برای احراز مقام کوچکی عده زیادی گلادیاتور تجهیز کرد، سنای روم قانونی وضع نمود که از آن به بعد هیچکس نمیتوانست بیش از شصت گلادیاتور داشته باشد.

نمایشهای گلادیاتورها چگونه برگزار میشد؟

در هر سال ۹۳ روز نمایشهایی در کولوستوم برگزار میشد. در اغلب این نمایشها تیتوس شرکت میکرد. قبل از شروع نمایش، در اطراف شهر روم بوسیله پوسترها موقع نمایش را اعلام میکردند. صبح زود روز نمایش حیوانات را از محل اصلی خود بیرون می آوردند و در جایگاههای کوچکی که در گوشه های میدان ساخته شده بود جای میدادند؛ بعد رژه اراپه ها شروع میشد. گلادیاتورها در عقب اراپه ها درحالی که لباس ارغوانی که با طلاقاب

دوزی شده بود به تن داشتند قرار گرفته بودند و پشت سر آنها اسیران و برده‌ها با اسلحه حرکت میکردند ، در فاصله کمی از آنها امپراطور با لباس مجلل ملیله دوزی شده و دیپلماتها با لباس محلی ، سناتورها با عبا یا ردای بدون آستین که لبه‌های آنرا با مخمل ارغوانی دوخته بودند و کفشهای قیطان دوزی شده و بعد از آنها سربازان رومی دسته دسته رژه میرفتند. در ایتموقع نیزه‌های گلاادیاتورهای سوار بالا میرفت و در آسمان برق میزد و همه با هم فریاد میزدند « زنده باد امپراطور ، امپراطور با يك دستمال بزرگ علامت میداد و با صدای موزیک نمایش شروع میشد .

بازیهای مقدماتی تقلیدی بود . با شمشیرهای چوبی بایکدیگر نبرد میکردند ، اما وقتی که گرم بازی میشدند ، با اسلحه سرد خون یکدیگر را می‌ریختند . مردم در وسط بازی ابراز احساسات میکردند ، فریاد میزدند . ارکستر که مرکب از فلوت و بوق و کورنا بود به صدا درمی آمد . کم کم غریو و هیاهوی مردم به اندازه‌ای زیاد میشد که ارکستر از کار می‌افتاد و فقط صدای چک‌چک شمشیر به گوش میرسید .

وقتی که در جنگ تن به تن یکی از گلاادیاتورها مجروح میشد و بر زمین می‌افتاد تماشاگران فریاد می‌زدند « هابت » یعنی کارش تمام شد . آنگاه آن بیچاره دست خود را به طریق استغاثه و درخواست بخشایش به سوی مردم بلند میکرد ، بطوریکه شست‌ها به طرف بالا بود . تماشاگران در صورتیکه با درخواست او موافق بودند ، دستمالهای سفید را حرکت میدادند ولی اگر برخلاف معتقد بودند که او در جنگ تن به تن سستی کرده و چنانکه باید از خویش دفاع ننموده و مستحق مرگست . فریاد می‌زدند « او گچیده ، او گچیده ، یعنی « مرده باد ، مرده باد » و با دستهای خود بطوری که شست‌هایشان به طرف پائین قرار داشت به آن تیره روز اشاره میکردند ، آنگاه اگر امپراطور با مردم موافقت میکرد گلاادیاتور غالب . حریف مغلوب خویش را میکشت !

حریف غالب را به پاداش پیروزی ، مقدار زیادی سکه طلا و هدایای گرانبهای دیگر میدادند و بزرگترین هدیه يك شمشیر چوبی بود که به آن رودس می‌گفتند این شمشیر که او را برای همیشه از جنگهای تن به تن معاف میساخت - این شمشیر به گلاادیاتورهایی اعطاء میشد که هنگام جنگ تن به تن شجاعت زیادی ابراز داشته بودند .

معمروترین گلاادیاتورهای روم قدیم شخصی بود به نام فلاما در باره او

نوشته‌اند که در بیست و یک جنگ پیروز شد و چهاربار به دریافت شمشیر چوبین نائل آمد ولی بازهم در جنگهای تن به تن داوطلبانه شرکت می‌جست. اما مغلوب بیچاره در خون خود غوطه میخورد تا وقتی که هیکل شوم جلادی که خود را به صورت کارون درآورده بود، وارد میدان میشد. کارون به عقیده رومیان غولی بود در جهان دیگر که مردگان را بروی قایقی از روداستدکس میگذرانید و به دوزخ میبرد! جلاد به صورت این غول جهنمی با جوشنی چوبین وارد میدان میشد و بیدرنک تخماتی بر سر گلادیاتور مغلوب میکوفت تا مطمئن شود که مرده است. آنگاه لاشه او را با چنگک درازی از در مخصوص مرگ از میدان بیرون میبرد.

گلادیاتورها در دوئل‌های معمولی زره میپوشیدند و سپر بزرگی به یک دست میگرفتند و به دست دیگر یک نیزه کوچک داشتند درحالی که طرف مقابل آنها اصلا لباسی در تن نداشت فقط یک دام توری داشت و آنرا گاه و بیگاه برای گرفتار کردن دشمن خود پرتاب میکرد، یک نیزه سه شاخه و یک دشته برای تکه پاره کردن بدن حریف همراه داشت.

نوعی دیگر از گلادیاتورها بودند که از داخل ارا بهای خود جنگ میکردند، آنها نیزه‌هایی داشتند که با تسمه‌های بلند به بازوان خود بسته بودند و با دست دیگر خود یک شمشیر گرفته بودند. بعضی وقتها هردو آنها زرهی میپوشیدند که تا مچ‌های آنها را میگرفت. بعضی اوقات دو محکوم بهجان هم می‌افتادند که یکی دست خالی و دیگری مسلح بود. البته هردوی آنها مایل نبودند که باهم نزاع کنند ولی با ضرب شلاق مأموران دولت به محوطه میدان داخل میشدند. واضح است که در این کشمکش مرد مسلح طرف مقابل خود را میکشت و این عمل باعث شادی و تفریح خاطر امپراطوران و تماشاگران میشد!

سنگ فیلسوف رومی که در زمان نرون میزیست مینویسد: «دومردا از میان محکومین به مرگ انتخاب میکردند و به میدان میبردند. آنگاه به یکی از آن دو خنجر می‌دادند تا دیگری را بکشد و چون او رفیق خود را میکشت. خنجر را از دستش میگرفتند و به محکومی دیگر میدادند تا او را هلاک کند. بدین ترتیب در یک نمایش صدها نفر به دست یکدیگر کشته میشدند و خاطر امپراطور و تماشاگران رومی باتماشای این منظره وحشت‌انگیز مسرور میشد.»

بعضی اوقات افسانه‌های مذهبی کهن را نمایش میدادند و جمعی را بدین

بهانه میکشند . مثلاً بهیاد هر کول خدای معروف یونانی که در آتش سوخته بود ، گروهی از محکومین را در میدان کولوستوم در آتش می انداختند . یا بهیاد ارونه پیش خراسان گرسنه می افکندند .

مسیحیان و حیوانات وحشی

آیا واقماً رومیان پیروان دین عیسی را هم در میدان کولوستوم طعمه شیران درنده میساخته اند ؟ این امر هنوز بدرستی معلوم نیست ولی جای تردید نیست که برخی از امپراطوران مانند دیوکل دیوکل سیانوس عیسویانی را سخت دشمن میدانسته است .

نرون امپراطور دیوانه روم نیز پس از آنکه شهر روم را آتش زد شهرت داد که سبب حریق عیسویان بوده اند وعده کثیری از آنها را در سیرک رم زنده زنده آتش زد .

در سال ۴۰۴ بعد از میلاد مسیح کشیشی به نام تلماکوس که از دیدن این منظره وحشیانه دل از دست داده بود بوسط میدان آمد و کوشش کرد که دو نفر دوئل کننده را از هم جدا کند ولی تماشاگران که از کار او ناراحت شده بودند او را کشتند .

قسطنطین امپراطور مسیحی روم که نسبت به مذهب خود کمال اعتقاد داشت . در سال ۳۲۶ میلادی فرمانی صادر کرد و کشتار محکومین را در نمایشگاه کولوستوم ممنوع نمود . از آن به بعد محکومین را به جای آنکه پیش جانوران درنده بیندازند ، محکوم به اعمال شاقه میکردند . پس از او امپراطور دیگر بنام هنریوس که از مشاهده اینگونه مناظر ناراحت شده بود دستور داد دوئل های تن به تن موقوف شود . بالاخره فریاد استغاثه انسانها و حیوانات که اینهمه بی گناه کشته شده بودند و بقول مورخی در روم از استالینگراد و وردن هم بیشتر خون ریخته شد - به درگاه خداوند مورد اجابت قرار گرفت و در سال ۴۲۲ بود که زمین لرزه شدیدی دیوارهای کولوستوم را لرزاند و شکاف بزرگی در آن ایجاد نمود و کمی بعد دو قسمت از ساختمان میدان بکلی از هم جدا شد و فرو ریخت .

یک لرزش دیگر در سال ۱۲۳۱ و زمین لرزه سومی در ۱۲۵۵ قسمت اعظم دیوارهای اطراف میدان را بر رویهم خراب کرد . پاپها هم در تجدید بنای آن اقدامی نکردند و از بعضی مصالح ساختمانی آن در کلیسای سن پترز استفاده شد .

بعدها این میدان برای گاوبازی استفاده کردند و بعد هم آنرا تبدیل به يك بازار عمومی نمودند. در سال ۱۳۴۸ میلادی این محل بعلت بروز طاعون به بیمارستان مبدل شد و بار دیگر این محل به تئاتر مجلی تغییر شکل یافت و بالاخره هنگامی که ناپلئون اول به ایتالیا حمله کرد و پاپ را به زندان افکند اصطبل اسپان سپاه امپراطور فرانسه گردید. امروز از این محل تاریخی جز خرابه چیز دیگری باقی نیست.

در تنظیم این مقاله از منابع زیر استفاده شده است.

۱- تاریخ ویل دوران کتاب سوم تحت عنوان قیصر و مسیح ترجمه آقای پرویز داریوش.

۲- تاریخ آلبرماله ترجمه شادروان غلامحسین خان زیرکزاده.

۳- مجله اطلاعات ماهانه شماره تیرماه ۱۳۲۹ سال سوم.

۴- دائره المعارف فارسی.

۵- Colombia Encyclopeba و Woslol books و the Penguin Enyclopedia

۶- Readers Digest june 1970

۷- نرو (۵۴-۶۸) امپراطور دیوانه رم. در طول زمان امپراطوری خود کارهای ناشایستی انجام داد. از جمله در زمان او روم دچار حریق شد.

۸- Amphitheatruw Flasrium

۹- اسپازیان **Vespasian** (۶۹ - ۷۹) نخستین پادشاه سلسله فلاوینها بود تا آن زمان امپراطورها از مشهورترین دودمانهای اشراف روم انتخاب میشدند برعکس و اسپازیان یکی از خانوادههای متوسط ایتالیا منسوب بود.

۱۰- تیموس **Titus** امپراطوری بود که جانشین و سپازیان شد.

۱۱- باغ زرین- باغی بوده است که بدستور نرون امپراطور روم ساخته شد و از عجایب زمان محسوب میشد.

۱۲- کولوستوم ۸۰ در داشت که ۷۶ در مخصوص ورود و خروج مردم بود. هر دری را بنام مخصوصی میخواندند که هنوز هم با حروف رومی بالای برخی از آنها دیده میشود. امروز سیاحان را معمولاً از دری که «در حیات» نام داشت و در آن زمان مخصوص جنگجویان فاتح بود به کولیزه میبرند. در دیگر نیز «به درمرگ» موسوم بود که اجساد کشتگان و حیوانات را از آنجا خارج میکردند.

۱۳- Sénépue فیلسوف رومی معاصر نرون که به فرمان او بقتل رسید.

۱۴ هرکول Hercule مشهورترین پهلوان یونانی که نیروی فوق-العاده داشته و او را بنام خدای وتوانائی قدرت میشناختند.

۱۵- oryhée رب النوع موسیقی.

۱۶- Stalingred در سال ۱۹۴۲ در جنگ دوم بین المللی بوسیله آلمانها از سه طرف محاصره شد و يك طرف آن به رودخانه ولگا محدود بود در جبهه استالینگراد شدیدترین جنگ جریان داشت در شهر سربازان روسی و آلمانی جنگ تن به تن میکردند. تا اینکه بفرماندهی ژنرال ژوکوف در فوریه ۱۹۴۳ قشون تازه نفسی برای نجات شهر اعزام شد و آلمانها را که قشونشان بریاست ژنرال پاولوس بود محاصره کردند و سربازان زیادی ازدو طرف چه بر اثر سرمای شدید و چه بر اثر جنگ کشته شدند. تعداد کشته شدگان بیش از ۳۰۰ هزار نفر بود.

۱۷- وردن ۱۹۱۶ - در وردن يك سری قلاع جنگی است که برای حفاظت شهر پاریس ساخته شده بود.

در جنگ بین المللی اول آلمانها به این قلاع حمله کردند. آلمانها بعضی از این قلعهها را گرفتند ولی دفاع این قلعهها بعهد ژنرال پتن فرمانده عالی مقام فرانسوی گذارده شده بود. پتن شعاری داشت و آن این بود که میگفت «آلمانها از این قلاع عبور نخواهند کرد و اگر عبورکنند باید از روی جنازههای ما بگذرند».

با این شعار به تشویق و تهییج آرتش فرانسه پرداخت و آلمانها را بعقب راند. اما بهر دو طرف تلفات زیادی وارد شد و يك میلیون مرد در این جنگ کشته شدند.